

کلاغ‌ها و گربه‌ها، این همسایه‌های ما.

شهر را باید با نگاه "بوم‌زیست محور" تماشا کرد. عمق این حرف مهندس «سادات‌نیا» چقدر است؟ حفاظت از محیط زیست؟ چه چیز آن؟ جسم آن یا کلیت آن؟ چرا باید از گربه‌ها و کلاغ‌های تهران حفاظت کرد؟ چرا باید از رفتن پرستوها و کبوترهای چاهی دلگیر بود؟ چرا اگر چنارهای پیر شهر ما بخشکند باید غمناک شد؟ چرا اگر توت‌های ژاپنی خیابان‌های شهر ما را فتح کنند باید نگران شد؟ همه اینها یک پاسخ دارد: اینها هستند که در تهران "ما" را می‌سازند. هر کدام که برود قطعه‌ای از ما فرو ریخته است. می‌دانید ما چگونه ما شدیم؟ در هر شهر جدید که به تازگی بنا می‌شود هیچ‌کدام از این سؤالات موجب نگرانی نمی‌شود. در آنجا سابقه‌ای وجود ندارد تا خاطره‌ای و به دنبال آن معنایی را با خود حمل کند. هیچ چیز نماد زندگی و اجتماع قبلی نیست.

در تهران اما، کلاغ‌ها و گربه‌ها به دنبال زندگی آدم‌ها به اینجا آمده‌اند. ریزه‌خوار سفره آنها هستند. نوع زندگی تهرانی‌ها، آداب غذایی، شیوه تولید دورریختنی‌ها، روش جمع‌آوری زباله و باورهای آنها در مورد عواقب کشتن گربه و کلاغ و نموده‌های دیگر فرهنگی "زمینه" حیات و بقای آنها را در شهر فراهم آورده است. در دویست سالی که از پایتخت شدن تهران می‌گذرد حیوانات زیادی از شهر و بوم آن رفته‌اند. اما کلاغ و گربه توانست دوام بیاورد. حضور و مشارکت آنها در پهنه زندگی شهری و سیمای آن آنها را عضو خانواده "ما" کرده است.

مهندس سادات‌نیا به عنوان یک هنرمند نگاهی عمیق به زندگی این همسایه‌های ما و شهروندان تهرانی افکنده است. در مجموعه طرح‌های خویش و شرحی که از آنها می‌دهد کلاغ‌ها و گربه‌ها را زائد نمی‌شمارد. از این روست که در کسوت یک هنرمند کل‌نگر، آنها را دارای شخصیت‌هایی می‌بیند که می‌توان از آنها آموخت. "کلاغ‌ها اولین کسانی هستند که روز را شروع می‌کنند، تفکیک زباله را آنها آغاز می‌کنند، روی بلندترین نقطه می‌نشینند تا به محیط مسلط باشند، عمر طولانی آنها حالتی از نگاه نصیحت‌آمیز به کلاغ‌ها می‌دهد، حساسیت خاصی به بچه‌های خود دارند، حالت زندگی جمعی و گروهی دارند، صحنه‌هایی مثل محاکمه دارند: یکی در وسط و بقیه گرد او".

سادات‌نیا از تلفیق زندگی آنها با شهر و نقش آفرینیشان در منظر شهری می‌گوید: "با چشم‌انداز سر بام‌ها و آشفستگی آنها پیوند دارند، روح زنده خط آسمان شهرند، به بام‌ها حیات و زندگی می‌دهند. تخصص پاره کردن کیسه نایلون را دارند، به خصوص در نزدیکی قصابی‌ها که حیطة مالکیت آنهاست. صدای کلاغ بخشی از هویت و زندگی شهر ماست. ندای آرامش و روحانیت است. گربه‌ها اما با آدم‌ها مأنوس‌ترند. دوئت گربه پائین دیوار که در انتظار اجازه گربه سر دیوار است تا به بالا بپرد، خیلی جالب است. موسیقی عجیبی از "مرمر" دارند هنگامی که فصل جفت‌گیری می‌رسد یا یکی در قلمرو دیگری وارد می‌شود".

می‌شود از دید گربه و کلاغ هم به شهر نگاه کرد. آنها حریم‌های ما را ندارند. در و دیوارهای ما را به رسمیت نمی‌شناسند. شهر برای آنها سازمانی دیگر دارد. این نگاه می‌تواند خلاقیت ما را شکوفا سازد. اگر کلاغ‌ها و گربه‌ها را جدی بگیریم زمینه نگاه "بوم‌زیست محور" به شهر را فراهم کرده‌ایم. این نگاه، نگاهی منظرین است که "همه" ساکنان شهر و همه لایه‌های آن را به رسمیت می‌شناسد. کلاغ‌ها و گربه‌ها هم شهروندان این شهرند. "شهر ما" بدون آنها به وجود نمی‌آید. "ما" نیز بی‌آنها "ما" نمی‌شویم.

سردبیر

سید امیر منصوری

amansoor@ut.ac.ir

Crows and Cats, These Neighbors of Ours.

We should look at the city in an “eco centric” view. How deep does Mr. “Sadat Nia” mean by his words? Protection the environment? Which part of it? Its physics or its totality? Why to protect the cats and crows of Tehran? Why to be upset from the leaving swallows and doves? Why to be sad if our old plane trees dry out? Why to be concerned if Japanese berry trees conquer our streets? There is one answer to all of them: they are the pieces which create “us” in Tehran. Each piece that leaves, a piece of us is crumbled. How have we become?

In every newly built city none of these questions raise concern since it does not carry any history or memory. There exists no previous symbol of life and society.

But in Tehran, the existence of cats and crows follows the settlement of people in Tehran. They feed off people’s left-overs. Life style, eating manners, leftover productions, garbage collection methods and their beliefs about killing cats and crows as well as other cultural ethics has provided them a “basis” of life and survival. Many animals and habitats have left the 200 years capital but these two species have survived. Their participation and presence in urban life have made them a part of family and a part of “us”.

Mr. Sadat Nia has looked deeply upon these neighbors and Tehran citizens as an artist. In his designs and descriptions, He does not consider cats and crows a waste. Thus, as a holistic artist, he believes they have characteristics which we can learn from.” The crows are the first to start the days, they are the one to start picking the waste, they sit on the highest point to achieve dominance, they have sententious looks for their being old, they have particular sensitivity toward their children, they live in groups and they have scenes like trials: one in the middle and others around him. ”

Sadat Nia also talks about the combination of their lives to the city and their role in creating urban landscape.” they are used to non-smooth rooftop views, they are the living spirit of sky line, and they bring life to roofs. They are experts in tearing out the nylon bags especially near the butcher’s which they consider their territory. Their croaks are a part of our city life and identity; it is the sound of peace and spirituality. However, the cats are more familiar with the people. Their duet for getting the permission for jumping over the wall is amazing. They play a strange music of “merr merr” in mating season or when they trespass other’s realm. ”

It is possible to look from cats and crows point of view. They do not have our boundaries. The city is organized differently in their views. This look can flourish our creativity. In case the cats and crows are taken seriously the circumstances for having an “eco centric” view will be provided. This is a landscape view that acknowledges “all” city habitants and all its layers. Cats and crows are all citizens of Tehran. “Our city” would not be in existence unless they didn’t exist. “We” will not become “we” without them.

Editor-in-Chief

Seyed-Amir Mansouri
amansoor@ut.ac.ir